

بسم الله الرحمن الرحيم

برای دانلود متن درس [کلیک کنید](#)

موضوع بحث ما، اجتهاد و تقلید، بر اساس متن عروة الوثقی است، ولی ما تعبیر «الاجتهاد و التقليد و الزعامة» را به کار می‌بریم. چراکه بحث زعامت، متفاوت از مرجعیت است؛ مرجعیت مربوط به تقلید است ولی زعامت، بیشتر ناظر به زعامت سیاسی و اجتماعی است. از این رو بعضی مسائل را گاهاً به مسائل عروه اضافه می‌کنیم، چون موضوع بحث ما موسعتر است و در واقع «الاجتهاد و التقليد و الزعامة» است. می‌توان مرجعیت را نیز به این سه افزود یا در همان بحث از تقلید، گنجاند. مانند مباحث گذشته، بحث را پیش می‌بریم و در موارد لازم، بدان اضافه می‌کنیم. تا بدین جا 20 مسئله از کتاب عروة الوثقی، مورد بحث قرار گرفت و اکنون از مسئله 21 بحث می‌کنیم.

مسئله 21

در این مسئله، جناب سید می‌فرمایند که مقلدی با دو مجتهد مواجه است که علم به علمیت یکی از آن دو نسبت به دیگری، ممکن نیست؛ نه تنها علم، بلکه بینه نیز در دست ندارد؛ یا اینکه بینه معارض وجود دارد که مثل لاینه است. در چنین فرضی تکلیف او چیست؟ ایشان در پاسخ می‌فرمایند: اگر به علمیت یکی از این دو گمان دارد، به سراغ همان مجتهد برود. مانند اینکه 40 درصد احتمال علمیت زید و 60 درصد احتمال علم بودن عمرو را می‌دهد؛ در این صورت باید به سراغ عمرو برود. مشکل زمانی است که این گمان نیز وجود ندارد. در این فرض نیز سید می‌فرماید اگر بین این دو نفر، احتمال علمیت یکی وجود دارد نیز نظر سید آن است که بنا بر احتیاط واجب، از فرد محتمل العلمیت تقلید کند. لذا در مثال گذشته، اگر احتمال علمیت زید، در نظر مقلد، 30 درصد باشد ولی احتمال علمیت عمرو را نمی‌دهد، یعنی یا زید اعلم است یا هر دو مساوی هستند، در این فرض، به نظر سید، بنا بر احتیاط واجب باید از زید تقلید کند.

چنانکه بیان شد، مسئله مشکل نیست اما عبارت سید نیاز به دقت دارد. ایشان می‌فرمایند:

(المسألة 21): اذا كان مجتهدان لا يمكن العلم بأعلمية أحدهما ولا البينة، فان حصل الظن بأعلمية أحدهما تعين تقليده، بل لو كان في أحدهما احتمال العلمية يقدم؛ كما اذا علم أنّهما اما متساويان او هذا المعين اعلم ولا يحتمل العلمية الآخر، فالاحوط تقديم من يحتمل العلمية.

دو مجتهد در مسئله، موضوعیت ندارد و ممکن است چند مجتهد در نظر مقلد چنین صورتی داشته باشند. علاوه بر اینکه مطابق بیان در دروس گذشته، علاوه بر علم و بینه، اطمینان نیز معتبر است. سید فرضی را بیان می‌فرماید که هیچ‌یک از این سه وجود ندارد و تنها ظن و گمان بر علمیت یکی از دو مجتهد وجود دارد؛ روشن است هر عاقلی در این فرض، به گمان خود عمل می‌کند. فرض دیگر آن است که گمان نیز وجود ندارد و تنها احتمال در بین است؛ باز روشن است که احتمال نسبت به علمیت یک طرف وجود دارد و علمیت طرف مقابل، محتمل نیست. در این فرض نیز کسی که علمیت او محتمل است، برای تقلید، مقدم می‌شود. احتمال علمیت هر دو سودی ندارد و باید در آن فرض، احتیاط کند.

نتیجه سخن در مسئله آنکه در سه فرض معلوم بودن علمیت، مظنون بودن علمیت و محتمل بودن علمیت، باید از اعلم، تقلید کرد.

توضیحات

معنای گمان: مراد از گمان در این سخن سید که می‌فرماید: «اگر مقلد به علمیت یکی از دو مجتهد گمان دارد، باید به گمان خود عمل کند»، ظن خاص نیست؛ بلکه ظن مطلق موردنظر است که در رابطه با آن گفته شده است: «ان الظن لا یغنی عن الحق شیئاً». ظن خاص، همان بینه می‌شود.

اشکال و پاسخ: ممکن است پرسیده شود چرا سید در ابتدا فرمود: «یُقَدِّم» و در شکل فتوا مسئله را بیان فرمود اما در ادامه و بعد از ذکر مثالی برای همان فرض، احتیاط واجب را تقدیم محتمل العلمیه، برشمردند؛ پاسخ این است که تعبیر «یُقَدِّم» نیز ناظر به همین احتیاط واجب است. بلکه مطابق با مبنای سید باید گفت که تعبیر «تعیّن تقلیده» نیز به معنای «متعین شدن تقلید بنا بر احوط» است. چون ایشان در مسئله 12، که سال گذشته مورد بحث قرار گرفت، فرمود: مقلد باید بنا بر احتیاط واجب از علم تقلید کند. لذا ایشان در آن مسئله نیز فتوا نداد؛ هرچند نظر ما و قاطبه فقها بر فتوا است.

اینکه مرحوم سید می‌گویند: اگر دو مجتهد باشد که علم به علمیت احدهما یا بینه نباشد، فروض مختلفی دارد:

1. امکان ندارد؛ بدین معنا که اختلاف اهل خبره بسیار است و هرچه تحقیق می‌شود، نتیجه کمتری به دست می‌آید.
2. در صورت مراجعه به اهل خبره، مثل آمدن به قم و مجالست با بعضی بزرگان، امکان شناخت علم وجود دارد اما مقلد هنوز فرصت چنین کاری را نیافته است.

این دو فرض از نظر حکم تفاوتی ندارند. فرض اول مطابق با ظاهر کلام سید است. در فرض دوم سؤال از وظیفه مکلف در زمان پیش از تحقیق یا حین آن است تا به نتیجه برسد.

تفاوت این مسئله با مسئله 38: مرحوم سید در مسئله 38 از عروه می‌فرماید: «ان کان الأعلّم منحصراً فی شخصین و لم یمكن التعیین فان امکن الاحتیاط بین القولین فهو الاحوط و الا کان مخیراً بینهما»؛ یعنی اگر علم مردد بین دو نفر است و مشخص کردن علم ممکن نباشد، در صورتی که امکان احتیاط بین قول این دو مجتهد، وجود داشته باشد باید احتیاط کند؛ مثل اینکه اگر یکی از این دو مجتهد می‌گوید تسبیحات اربعه یک بار کافی است و دیگری می‌گوید حتماً باید سه بار گفته شود، باید تسبیحات اربعه را سه بار بگوید. گاهی احتیاط نیز ممکن نیست؛ مانند اینکه چیزی را یکی واجب و دیگری حرام بدانند. در این صورت، مقلد مخیر است.

تفاوت مسئله 21 با مسئله 38 در آن است که در مسئله مورد بحث (=مسئله 21) راه‌هایی تعیین علم بیان شده است. بدین معنا که یکی از راه‌های تعیین علم، علم است؛ راه دیگر، بینه و در حکم راه تعیین، گمان یا احتمال است. در مسئله 38 در فرض نبود هیچ‌یک از راه‌های بیان شده و احتمال علمیت هر دو مجتهد، حکم مسئله بیان شده است.

برخی بزرگان مانند مرحوم نائینی (ره) و مرحوم جمال الدین گلپایگانی (ره) ذیل مسئله 38 حکم احتمال علمیت یکی از دو مجتهد را بیان کرده‌اند؛ حال آنکه سید، این حکم در مسئله 21 بیان فرموده است و در مسئله 38 منظور فرضی است که هیچ یک از موارد بینه، اطمینان، گمان یا احتمال علمیت یکی از دو نفر وجود نداشته باشد. لذا ذکر حاشیه‌های یادشده از بزرگان، ذیل مسئله 38 نابجا است.

تبعیت مسئله 21 از مسئله 12؛ چنانکه پیش‌تر بیان شد، وجوب تقلید از علم، مورد اختلاف است. عده‌ای آن را لازم نمی‌دانند و برخی دیگر آن را واجب شمرده‌اند. برخی نیز بنا بر احتیاط واجب آن را لازم می‌دانند و عده‌ای نیز در فرض اختلاف علم با غیرعلم، تقلید از علم را لازم شمرده‌اند. لذا بنا بر دیدگاه اخیر، در صورتی که اختلافی بین علم و غیرعلم وجود ندارد یا ما علم به اختلاف نداریم، لازم نیست علم را انتخاب کنیم. گفته شد که نظر ما لازم بودن تقلید از علم، علی‌ایّ حال و بدون تفصیل است. مسئله مورد بحث، تابع نظر در مسئله یادشده است. لذا اگر تقلید از علم را لازم ندانیم، نیازی به طرح مسئله مورد بحث نیست. اشکال بر سید (ره) نیز بر همین اساس مطرح است؛ چراکه ایشان قائل به لزوم تقلید از علم بنا بر احتیاط واجب است و نباید ظاهر کلام ایشان در این مسئله فتوای لزوم تقلید از مظنون یا محتمل العلمیه باشد.

اعتبار آورع بودن از نگاه سید؛ چنانکه پیش‌تر بیان شد، سید (ره) در تقلید، آورع بودن را نیز معتبر می‌داند. لذا بنا بر دیدگاه ایشان، بین دو مجتهد با علم برابر، کسی که آورع است مقدم می‌شود. ما این دیدگاه را نپذیرفتیم و گفتیم که داشتن حدّ عدالت مجتهد، برای تقلید از او کفایت می‌کند. لکن سخن آن است که قائل به اعتبار آورع بودن، باید مسئله 21 را نسبت به این شرط نیز داشته باشد. بدین معنا که باید بگوید: إذا کان مجتهدان لا یمكن العلم بأورعیة أحدهما و لا البینه فإن حصل الظن بأورعیة

أحدهما تعین تقلیده و... به دیگر سخن، اعلمیة خصوصیت ندارد و أروع بودن نیز همینطور است. مگر اینکه کسی مانند ما أروع بودن را از مرجحات الزامی محسوب نکند. بدین بیان که أروع بودن یک مجتهد، بسیار پسندیده است اما ارتباطی به تقلید ندارد.

تعالیق

1. گفته شده: تقلید از مظنون الاعلمیه یا محتمل الاعلمیه در فرضی معنا دارد که اختلاف فتوا بین دو مجتهد وجود داشته باشد و در غیراختلاف، لزوم تقلید از این دو معنا ندارد.

پاسخ اینکه بیان شد، اختلاف دیدگاه در مسئله 12 در رابطه با اصل مسئله وجوب یا عدم وجوب تقلید از اعلم، در این مسئله نمود پیدا می‌کند.

2. مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی (قدس سره) می‌فرماید: تعبیر «بل» در عبارت سید را صحیح نمی‌دانند. توضیح اینکه ظن و گمان در کلام سید، گمان مطلق است، یعنی گمانی که دلیلی بر اعتبار آن وجود ندارد؛ چراکه گمان خاص، داخل در بینه است. مانند اینکه بر اساس نورانیت چهره یا سیادت، نسبت به اعلمیة یکی از دو مجتهد گمان داشته باشد. ایشان می‌فرماید ارزش چنین گمانی با ارزش احتمال، برابر است لذا تعبیر «بل» که برای ترقی و تفاوت قبل و بعد آن به کار می‌رود، به جا نیست. این اشکال فنی ناظر به الفاظ در واقع عقبه‌ای دارد که اشکال بر اعتبار بخشیدن به گمان است. اگر گمان، از قسم معتبر باشد در زمره بینه قرار می‌گیرد و اگر مطلق و غیرمعتبر باشد نیز در حکم احتمال است و نباید حساب ویژه‌ای برای آن قرار داد. این اشکال را بسیاری دیگر از بزرگان نیز مطرح کرده‌اند.

اختلاف دیدگاهی در این باره وجود دارد که آیا چنین گمان‌هایی به کلی نامعتبر است یا اینکه ممکن است قائل شویم در موضوعات، هر گمانی معتبر است. چنانکه فرزند فاضل ایشان، آقای جواد فاضل لنکرانی در یکی از نگاشته‌های خود، به دنبال اثبات اعتبار هر گمانی در موضوعات می‌باشند. مسئله مورد بحث نیز ناظر به موضوع است. لذا بخشی از تعالیق به‌ویژه در گذشته با فرض عدم اعتبار گمان مطلق، ناظر به بیان یادشده از سید است.

3. گفته شده است، چرا مرحوم سید (ره) در آخر کلامشان در مسئله، به جای «فالأحوط» از «فالأقوی» استفاده نکرده‌اند؟! پاسخ این تعلیق نیز روشن است و به دیدگاه سید (ره) در مسئله دوازدهم و اصل لزوم یا عدم لزوم تقلید از اعلم باز می‌گردد.

4. مرحوم آقاضیاء عراقی می‌فرماید: «مع عدم احتمال اعلمیة غیره والا فاتباع الظن بالترجیح نظر بل العقل یحکم بالتخیر فی الاخذ باي واحد منهما، اللهم (إلا) أن یدعی بان مظنون الاعلمیه رأیه أقرب إلی الواقع ما لم یکن قول غیره مطابقاً للاحتیاط فیتبع حیئنذ أحوطهما فتأمل.» یعنی لزوم تقلید از مظنون الاعلمیه نیز در صورتی از نگاه ایشان پذیرفته است که احتمال اعلمیة طرف مقابل، اصلاً وجود نداشته باشد. لذا اگر 60 درصد احتمال اعلمیة یکی را می‌دهد و 40 درصد احتمال اعلمیة دیگری را، در چنین فرضی رجوع به اولی را نمی‌پذیرد و می‌گوید باید احتیاط کند. البته در اخیر، دستور به تأمل می‌دهند که عملاً این گفته را خنثی می‌کند.

در ادامه بیان خواهد شد که نظر ما مطابق با مبانی گذشته چه خواهد بود.

الحمد لله رب العالمین